

نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر

وحیده نگین*

چکیده

با مروری بر استراتژی‌های کاهش فقر ملاحظه می‌شود که بر اعتبارات خرد - و نه تأمین مالی خرد - به عنوان راهکاری مناسب برای کاهش فقر تأکید زیادی شده است. اما آنچه اغلب مشاهده می‌شود توجه به نقش اعتبارات خرد تنها برای افزایش درآمد افراد فقیر است و به نقش آن در حفظ سطح مصرف این گروه کمتر توجه شده است. همچنین در مواردی که به خدمات پس‌انداز به عنوان ابزار کاهش فقر اشاره شده، تنها به دلیل نقشی است که در تحرک سرمایه‌دار است و به نقش آن در حفظ سطح مصرف توجه نشده است. از سوی دیگر، بجز در مواردی محدود به نقش خدمات بیمه‌ای در حفظ سطح مصرف و درآمد افراد فقیر کاملاً بی‌اعتنایی شده است. در این مقاله ضمن اشاره به تجربه‌های برخی مؤسسات مالی موفق در ارائه اعتبارات خرد با استفاده از چارچوب مفهومی، به تبیین نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر از طریق حفظ سطح مصرف و درآمد پرداخته شده است. همچنین نشان داده شده که تقاضا برای خدمات تأمین مالی خرد با افزایش سطح فقر و میزان آسیب‌پذیری افراد تغییر می‌کند. در ادامه ضمن اشاره به ریسک‌هایی که خانوارها با آن روبه‌روند،

* رئیس گروه تدوین برنامه‌ها و سیاستهای جبرانی، دفتر کاهش فقر و سیاستهای جبرانی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی.

ظرفیت‌های بالقوه‌ای که مؤسسات تأمین مالی خرد برای مقابله با این ریسک‌ها دارا هستند بیان شده و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی برای طراحی و اجرای گونه‌ای خدمات تأمین مالی خرد ارائه می‌شود که نه تنها پاسخگوی انگیزه ایجاد درآمد برای فقراست، بلکه تمایل آنها برای حفظ مصرف و سایر نیازهای اولیه از طریق حفظ سطح مصرف و درآمد را پاسخ می‌دهد.

مقدمه

فقر پدیده‌ای چندبعدی است و به‌رغم تغییراتی که در پارادایم‌های توسعه در نیمه دوم قرن بیستم صورت گرفته، تعهد ارائه یک زندگی خوب به تمام افراد بشر تاکنون عملی نشده است، به گونه‌ای که بیش از یکصد میلیون کودک در سن دبستان هرگز وارد کلاس درس نشده‌اند، حدود ۲۹۰۰۰ کودک روزانه بر اثر بیماری و سوء تغذیه قابل پیشگیری می‌میرند و بیش از ۱/۲ میلیارد نفر در سراسر جهان برای رفع گرسنگی و تأمین نیازهای اولیه زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در واقع فقر مشکلی است که تمام کشورها بدون توجه به درجه توسعه‌یافتگی با آن مواجهند. فقر پدیده‌ای چندبعدی است و می‌تواند از ابعاد مختلف از جمله درآمد و قابلیت مشاهده شود. به عبارتی، فقر می‌تواند به دلیل فقدان دسترسی به منابع درآمدی باشد، به گونه‌ای که فرد فقیر با صرف تمام درآمد خود از منابع مختلف نمی‌تواند تمام یا برخی از نیازهای ضروری خود را شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان و آموزش تأمین کند. همچنین عدم برخورداری از قابلیت‌های اساسی، به‌رغم بهره‌مندی از درآمد کافی، می‌تواند موجب شود که فرد نتواند نیازهای خود را آن‌گونه که شایسته است، تأمین کند.^۱

با مروری بر تجربه استراتژی‌های ضد فقر در جهان، در می‌یابیم که مؤثرترین استراتژی برای کاهش فقر هم شامل خلق فرصت‌های درآمدزا برای فقرا و هم شامل ارائه خدمات اجتماعی است که قابلیت فقرا برای واکنش به فرصت‌ها را افزایش می‌دهد. در ایجاد این فرصت‌ها خدمات مالی در شکل اعتبار، بیمه و پس‌انداز نقش مؤثری ایفا می‌کند. از این رو یکی از راهکارهای توانمندسازی فقرا و ایجاد دسترسی به سرمایه‌های مالی برای آنها ارائه خدمات تأمین مالی خرد^۲ شناخته شده است.

۱. با توجه به اهمیت ویژه «قابلیت‌ها» رویکرد تازه‌ای با عنوان فقر قابلیت در مطالعات فقر پدید آمده است. قابلیت به معنای دسترسی مردم به آزادیهای گسترده‌ای است که برخورداری آنها از ارزشهایی مانند حضور فعال اجتماعی، آموزش مقدماتی، مراقبت‌های بهداشتی و عمر طولانی را میسر می‌کند.

2. Microfinance

مطابق تعریف بانک توسعه آسیایی، تأمین مالی خرد شامل دامنه وسیعی از خدمات مالی نظیر سپرده‌ها، وام، خدمات پرداختی، انتقال پول و بیمه به فقرا و خانوارهای با درآمد کم و کارگاههای کوچک آنهاست. از این رو تأمین مالی خرد هم با فقر مبارزه می‌کند و هم ظرفیت نهادی نظام مالی را از طریق راههای اثر بخش وامدهی به خانوارهای فقیر گسترش می‌دهد. از آنجا که به کارگیری ساز و کار تأمین مالی خرد به عنوان ابزاری برای کاهش فقر منوط به آگاهی از اثربخشی آن در ایجاد تغییر در شرایط گروههایی است که از این خدمات استفاده می‌کنند، در این مقاله با اشاره به تجربیات برخی مؤسسات مالی موفق در ارائه اعتبارات خرد، به تبیین نقش تأمین مالی خرد به عنوان ابزار سیاستگذاری در جهت کاهش فقر از طریق حفظ سطح مصرف و درآمد فقرا پرداخته می‌شود.

فقر و تأمین مالی خرد

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، اعتبارات خرد به عنوان راهکاری مناسب برای مقابله با فقر مطرح شده است و برخی کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نامگذاری و کشورهای در حال توسعه را در به کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است. اغلب متخصصان معتقدند که اعتبارات به عنوان ابزار مداخله‌ای برای کشف ظرفیت‌های بالقوه فرد و حرکت وی به سوی زندگی بهتر از نقش حیاتی برخوردار است. محمد یونس اقتصاددان بنگلادشی چنین بیان می‌کند «اعتبارات حق انسانی است. چنانچه این حق، محقق شود دسترسی به سایر حقوق برای رسیدگی به زندگی آبرومندان آسانتر می‌شود. در واقع اعتبارات با ایجاد شغل و فرصت کسب درآمد، منجر به شکسته شدن چرخه شوم فقر می‌شود».

اما چگونگی تأثیر اعتبارات خرد بر کاهش فقر با بیان ساز و کارهای مفهومی که از طریق آنها خدمات مالی می‌توانند بر زندگی فقرا اثر داشته باشد، بهتر قابل درک است.

افراد فقیر بیشتر تحت شرایط مخاطره‌انگیز و آسیب‌پذیری هستند. توانایی آنها برای بهره‌مند شدن از فرصتهایی که منجر به افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی آنها شده و آنها را در برابر مخاطرات محافظت کند بسیار مهم است. افزایش فرصتهای کسب درآمد در نتیجه تشکیل دارایی برای فقرا به معنای کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر ریسک‌هایی چون مخاطرات ناشی از

بیماری، تکانه‌های اقتصادی و بلایای طبیعی و کمک به آنها برای کاهش اثرات شوک‌ها است. از این رو پشتیبانی از تشکیل دارایی‌های فیزیکی (مسکن، زمین، دارایی‌های مولد و غیرمولد)، انسانی (دانش و مهارت، توانایی کار، سلامت، قدرت چانه‌زنی و کنترل تصمیم‌گیری‌ها)، مالی (میزان درآمد، امنیت درآمد، پس‌انداز، وام و هدایا) و اجتماعی (ارتباطات بین خانوارها و گروه‌ها، دسترسی گسترده به نهادهای اجتماعی و...) از طریق توسعه اشتغال فقرا می‌تواند آنها را در مدیریت بهتر ریسک و مخاطرات کمک کند. در واقع اعتبارات از طریق ایجاد اشتغال و فرصت کسب درآمد بر تشکیل دارایی و در نتیجه رفاه مادی خانوارهای فقیر اثر می‌گذارد.

لیکن موضوعی که امروزه پیرامون اعتبارات خرد بحث‌برانگیز شده این است که آیا اعتبارات به‌تنهایی یا در کنار سایر ابزارهای تأمین مالی نظیر پس‌انداز و بیمه در کاهش فقر مؤثر است؟ دیدگاه‌هایی مبنی بر ناکافی بودن اعتبارات به‌تنهایی برای کاهش فقر و لزوم توجه به سایر خدمات مالی مطرح است. به علاوه، موضوعی که تاکنون کمتر به آن توجه شده، نقش اعتبارات و سایر ابزارهای مالی نظیر پس‌انداز در حفظ سطح مصرف افراد فقیر است. گرچه ارائه خدمات بیمه‌ای و پس‌انداز به مراتب مشکل‌تر از اعتبارات است، ابداعات اخیر توسط برخی مؤسسات تأمین مالی حاکی از این است که فضای کافی برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌های بالقوه فراهم است.

نقش تأمین مالی خرد در حفظ سطح مصرف و درآمد: یک چارچوب مفهومی

در این قسمت به بیان دو مسیر اصلی که از طریق آنها دسترسی به خدمات مالی منجر به افزایش درآمد و حفظ سطح مصرف و درآمد خانوارها می‌شود، می‌پردازیم. این دو مسیر چارچوبی برای تعیین برنامه‌ریزی‌های نهادی ارائه می‌کنند که در آن تقاضاهای مختلف افراد فقیر در زمینه خدمات بیمه‌ای، اعتباری و پس‌انداز ارزیابی و هزینه فایده سیاستهای مختلف که با هدف حمایت اجتماعی و کاهش فقر طراحی شده‌اند، مقایسه می‌شود. همچنین فرایندی که از طریق آن دسترسی به خدمات مالی، تولید درآمد، حفظ سطح مصرف و انباشت سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی در آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نشان داده می‌شود.

دسترسی به خدمات مالی (پس‌انداز، اعتبارات و بیمه) تحت تأثیر شرایط کلان اقتصادی و سیاستهای مالی و نیز برنامه‌ها و سیاستهای مؤسسات تأمین مالی ارائه‌دهنده تمهیدات لازم به

افراد فقیر است. شوکهای آب و هوایی، بازار و نظیر آن بازارهای مالی و مؤسسات آن را تحت تأثیر قرار داده و فعالیت‌های غیررسمی و ساز و کارهای اعتباری و پس‌انداز غیررسمی را به جریان می‌اندازد. این شرکتها همچنین تقاضای خدمات مالی خانوارها را - چه قبل از وقوع یا بعد از وقوع شوک - تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود نا اطمینانی قبل از وقوع شوک، خانوارها را مجبور به نگهداری اندوخته‌های پولی و سرمایه‌های اجتماعی و حفظ یا افزایش خطوط اعتباری با وام‌دهندگان، رسمی یا غیررسمی می‌کند.

جدا از عملکردها و ویژگی‌هایی که تعیین‌کننده شکل مؤسسات مالی رسمی و غیررسمی و به عبارتی طرف عرضه است، دسترسی خانوارها به خدمات مالی نیز تحت تأثیر سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی آنهاست. سرمایه‌های فیزیکی و اجتماعی می‌توانند به عنوان وثیقه وام مد نظر قرار گیرند. همچنین هر سه نوع سرمایه تعیین‌کننده ظرفیت بازپرداخت و بنابراین ارزش اعتباری خانوارها یا افراد هستند. به علاوه، خانوارهایی که دارای هر سه شکل این سرمایه هستند، از ظرفیت بالاتری در برابر ریسک برخوردارند. به عبارتی دسترسی به اعتبار می‌تواند ظرفیت تحمل ریسک را افزایش دهد.

درآمد قابل تصرف که برای استفاده آتی و سرمایه‌گذاری در دسترس است، شامل دو جزء است. جزء اول درآمد برنامه‌ریزی شده یا دائمی است که خانوار انتظار دارد با استفاده از ظرفیت انسانی، فیزیکی و اجتماعی خود آن را به دست آورد. برای مثال سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب پذیرش و استفاده از فناوری‌های بسیار پیشرفته شود. سرمایه فیزیکی مانند زمین و کالاهای با دوام نیز موجب بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس می‌شود و سرمایه اجتماعی نظیر عضویت در تعاونی‌های تولیدی یا بازاریابی ممکن است منجر به افزایش قیمت تولیدات خانگی، دسترسی به نهاده‌ها با قیمت پایین یا فرایندهای تولیدی کاراتر شود. هر سه نوع خدمات مالی می‌توانند برای بهبود این سرمایه‌ها و در نتیجه افزایش ارزش انتظاری یا کاهش نوسانات درآمد به کار روند. بدین ترتیب که اعتبارات می‌توانند سرمایه اولیه خانواده را افزایش داده، یا خانواده را در برابر شوکها مقاومتر کند. پس‌اندازهای انباشت شده در دوره‌های قبل نیز می‌توانند به منظور کسب هر سه نوع سرمایه مورد نیاز در فرایند ایجاد درآمد به کار روند و در نهایت خانواده می‌تواند از طریق قراردادهای بیمه‌ای، خود را در برابر ریسکها محافظت کند. از آنجا که خدمات بیمه‌ای رسمی در کشورهای در حال توسعه اغلب در دسترس خانوارهای

فقیر روستایی یا شهری نیست، خانوارهای فقیر به دنبال این هستند که از طریق راهکارهای بیمه‌ای مبتنی بر فرد یا گروه به پرداختهای انتقالی به شکل وام یا هدایا در زمان نیاز دست یابند. حق بیمه‌ای که به طور ضمنی یا صریح توسط خانوار پرداخت می‌شود، سطح درآمد دائمی را کاهش داده اما نوسانات درآمد و بویژه ریسک کاهش درآمد را کم می‌کند.

سایر ابزارهایی که به منظور حفظ سطح درآمد استفاده می‌شود، شامل ابزارهای غیررسمی حمایتی نظیر استفاده از نهاده‌های کم‌ریسک یا متنوع ساختن فعالیت‌های درآمدی به سمت فعالیت‌هایی است که از بازدهی پایین برخوردار هستند. هرچند این ابزارها می‌توانند در حفظ سطح درآمد مؤثر باشند، برای خانواده و به طور بالقوه برای جامعه بر هزینه هستند.

دومین جزء درآمد قابل تصرف، درآمدی است که خانوار پس از انجام فعالیت‌های کشاورزی یا غیر کشاورزی یا از دستمزد نیروی کار خود کسب می‌کند. اگر درآمد دائمی از حداقل درآمد مورد نیاز برای رفع نیازهای اساسی و تغذیه‌ای کمتر شود، خانوار به سمت فعالیت‌هایی می‌رود که درآمد قابل تصرف مازاد برای وی فراهم می‌کند. این فعالیت‌ها نیز منجر به به کارگیری هر سه نوع این خدمات مالی می‌شوند. به گونه‌ای که تقاضای اعتبارات مصرفی شکل می‌گیرد یا اینکه اعتبارات تولیدی به سمت مصرف منحرف می‌شود. همچنین فروش دارایی‌ها اتفاق می‌افتد و در نهایت مطالبات بیمه یا از طریق دریافت هدایا و حواله‌های پولی از شبکه اجتماعی غیررسمی یا از طریق نهادهای اعتباری رسمی یا در صورت وجود، از بیمه‌گران رسمی نظیر برنامه‌های تأمین اجتماعی یا بیمه دام و محصول صورت می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت دو مسیر موجود عبارت است از:

۱. استفاده از خدمات اعتباری و پس‌انداز به منظور افزایش سرمایه اولیه برای ایجاد درآمد در آینده از طریق استفاده از خدمات بیمه‌ای (یا جایگزین‌های آن) برای حفظ سطح درآمد دائمی پیش‌بینی شده.

۲. استفاده از اعتبارات برای مصرف، تنوع پس‌اندازها (احتیاطی) و مطالبات بیمه‌ای.

مسیر یک به معنای حفظ سطح درآمد است و در برگیرنده کلیه اقدامات خانوار برای افزایش درآمد آتی یا حفظ سطح آن، که هزینه‌بر است و بنابراین خانوارهای فقیر به لحاظ اینکه بیشتر در معرض آسیب‌پذیری هستند و ظرفیت پذیرش ریسک آنان کمتر است، با هزینه‌های نسبتاً بالاتری به ازای چشم‌پوشی از درآمد مورد انتظار برای رسیدن به الگوی درآمدی یکنواخت‌تر روبه‌رو می‌شوند.

با مروری بر مطالعات انجام شده در خصوص اندازه گیری هزینه یکنواخت ساختن درآمد برای خانوارهای فقیر و ثروتمند، مشاهده می شود که با افزایش ریسک محیط، خانوارهای فقیر تولید خود را به سمت تولیدات با ریسک کمتر و در نتیجه سود کمتر منتقل می کنند. به عبارت دیگر برای خانوارهای واقع در دهکهای درآمدی بالا راههای کافی برای مبارزه با ریسک وجود دارد. در نتیجه افزایش ریسک تأثیر کمی بر سوددهی آنان دارد.

مسیر دوم، حفظ سطح مصرف را نشان می دهد و شامل کلیه اقداماتی می شود که هنگام وقوع شوکهای درآمدی گذرا جهت حفظ سطح درآمد قابل تصرف و در نتیجه حفظ سطح مصرف حال و آتی اتخاذ می شود. چنانچه بازارهای خدمات اعتباری، بیمه ای و پس انداز، بازارهای کاملی باشند، شوکهای درآمدی گذرا که موجب انحراف درآمد قابل مصرف از درآمد دائمی می شود، از طریق قرض گرفتن، پس انداز و بیمه یکنواخت می شود. بنابراین در این شرایط شوکهای درآمدی گذرا الگوهای مصرفی را تحت تأثیر قرار نمی دهد.

با وجود این، مطالعات متعدد نشان می دهد که خانوارها بخصوص خانوارهای فقیر قادر به حمایت کافی از الگوی مصرف خود هنگام مواجهه با شوکهای درآمدی نیستند. به گونه ای که وقتی خانوارها با شوکهای مهمی نظیر سیل بنگلادش در سال ۱۹۸۸ مواجه می شوند، وضعیت تغذیه ای کودکان در خانوارهای فقیرتر به علت عدم کفایت ساز و کارهای غیررسمی مبارزه با ریسک و عدم دسترسی به اعتبار بشدت متأثر می شود. همچنین والدین تمایل به بیرون کشیدن بچه ها از مدرسه و به کارگیری آنها در شغل های درآمدزا دارند و بدین ترتیب مصرف حال جایگزین مصرف آتی می شود.

بهبود دسترسی به تأمین مالی خرد، سطح اعتبارات دریافتی از منابع غیررسمی که دارای هزینه بالایی است و نیز فروش اضطراری دارایی های تولیدی (مانند زمین، دام، بذر) با قیمت پایین را کاهش می دهد. با وجود این، جایگزین کردن بازارهای رسمی به جای بازارهای غیررسمی تنها زمانی مؤثر است که خدمات اعتباری و پس انداز رسمی، برای حفظ سطح مصرف استفاده شوند.

وامهایی که تنها پس از طی یک مدت زمان انتظار معین قابل دریافت است و شامل هزینه معاملاتی بالا برای تقاضای وام می شود، یا وامهایی که صرفاً برای تولید ارائه می شود، قابلیت استفاده برای حفظ سطح مصرف ندارد. همچنین سپرده های پس اندازی که شخص فقط پس از

طی یک مدت زمان انتظار معین امکان استفاده از آن را دارد، هیچ کاربردی برای کسانی که این سپرده‌ها را با انگیزه احتیاطی نگهداری می‌کنند، ندارد.

از این چارچوب مفهومی، تعدادی مفاهیم سیاستی برای نقش تأمین مالی خرد در حفظ سطح مصرف و درآمد حاصل می‌شود. با در نظر گرفتن مسیر اول که درآمد خانوارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دو تأثیر عمده دسترسی به خدمات مالی قابل مشاهده است. اولین اثر این است که با ارائه خدمات اعتباری و پس‌انداز، خانوارها می‌توانند سطح دسترسی به سرمایه تولیدی خود را افزایش دهند. با ارائه اعتبارات، هزینه تکنولوژی و دارایی‌ها نسبت به نیروی کار کاهش می‌یابد. برای مثال، به جای استفاده از کودهای معدنی با کیفیت پایین برای کشت محصولات کم‌بازده، دسترسی به اعتبارات می‌تواند امکان استفاده از بذرها و کودهای مرغوب و تولید محصول بیشتر به ازای هر واحد زمین و نیروی کار را فراهم کند. البته خدمات پس‌انداز نیز از طریق انباشت سرمایه امکان‌پذیری بیشتر و ایجاد درآمد در آینده را فراهم می‌کند.

ایجاد درآمد مازاد، بحث سنتی ارائه خدمات اعتباری و پس‌انداز است. خدمات مالی که به طور بالقوه منجر به افزایش درآمد خانوارها می‌شود عبارت است از، اعتبارات برای راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک، اعتبارات کشاورزی فصلی، اعتبارات سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت و سپرده‌های دیداری و حسابهای پس‌اندازی که منجر به کسب سود می‌شود.

خدمات مالی برای ایجاد درآمد^۱ نسبتاً بین تمام مؤسسات تأمین مالی خرد مشترک بوده و اغلب تنها شکل خدمات مالی قابل ارائه توسط مؤسسات مذکور است. به عبارت دیگر، خدمات بیمه‌ای، اعتباری و پس‌انداز که پاسخگوی تقاضای کاهش نوسانات درآمدی قبل از وقوع شوک یا نوسانات مصرف پس از وقوع شوک است، به ندرت توسط مؤسسات تأمین مالی خرد ارائه می‌شود. چنین اقداماتی شامل خدمات بیمه‌ای، در مقابل ریسک‌های مصرف یا بازار، ارائه خدمات پس‌انداز که قابلیت نقدینگی دارند، ارائه اعتبارات مصرفی، ارائه اعتبارات به خانواده برای نگهداری نیروی کار و سرمایه انسانی و اجتماعی خانوار است. این خدمات مانند محافظی در برابر ریسک‌های آتی عمل می‌کند و در نتیجه خانوارها را قادر به تحمل ریسک‌های بیشتری می‌کند.

از آنجا که ظرفیت پذیرش تکنولوژی و سطح تولید و سرمایه‌گذاری، با افزایش ظرفیت ریسک‌پذیری، افزایش می‌یابد، ارائه خدمات مالی برای حفظ سطح مصرف^۲ می‌تواند تأثیری

1. financial services for income generation (FSIG)
2. financial services for consumption smoothing (FSCS)

مثبت و غیرمستقیم بر ایجاد درآمد دائمی داشته باشد. خدمات مالی مذکور با جایگزین شدن برخی پس اندازهای غیررسمی با هزینه بالا، متنوع سازی درآمد، استراتژی بیمه متقابل گروهی یا شخصی و نیز برخی منابع غیررسمی اعتبارات مصرفی با هزینه بالا، می توانند هزینه خانوارها را برای حفظ سطح درآمد و مصرف کاهش دهند.

خدمات مالی برای حفظ سطح مصرف، بیشتر در شرایطی که نوسانات فصلی درآمد وجود دارد، تقاضا می شود و بنابراین بیشتر به خانوارهای روستایی مرتبط می شود که زندگی آنها به طور عمده به کشاورزی بستگی دارد. به علاوه، خدمات مالی مذکور برای گروههای آسیب پذیر مانند زنان، افراد فقیر، کارگران دستمزدی و کسانی که به هر دلیلی از سیستم تأمین اجتماعی رسمی یا غیررسمی بیرون مانده اند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

بر مبنای این چارچوب مفهومی، چنین انتظاری منطقی به نظر می رسد که چنانچه خدمات مالی ارائه شده توسط مؤسسات تأمین مالی خرد پاسخگوی نیاز به خدمات مالی برای ایجاد درآمد باشد و همچنین نیاز به خدمات تأمین مالی برای حفظ سطح مصرف و درآمد را نیز پاسخ دهد، سیاستهای مالی از عملکرد بهتری در کاهش فقر و مشارکت در حمایتهای اجتماعی برخوردار می شود. به عبارت دیگر، چنانچه علاوه بر توجه به سهم بالقوه تأمین مالی خرد در کاهش فقر از طریق ایجاد رشد اقتصادی (که منجر به افزایش درآمد فقرا می شود)، به سهم تأمین مالی خرد در ارائه ابزارهای حمایت اجتماعی نیز توجه شود، در این صورت می توانند سایر ابزارهای عمومی و غیررسمی تورهای ایمنی را تکمیل کنند.

ابداعات اخیر مؤسسات تأمین مالی خرد

از آنجا که بسیاری از مؤسسات تأمین مالی خرد در کشورهای در حال توسعه، در حال حاضر از نظر تعداد مشتریان و پوشش جغرافیایی محدود هستند، اغلب قادر به پوشش کارای ریسکهای گروهی که در یک منطقه اتفاق می افتد، نیستند. اما با توسعه مؤسسات مذکور در طی زمان و دسترسی آنها به مقیاسهای عملیاتی نظیر گرامین بانک بنگلادش ظرفیت پاسخگویی به ریسکهای گروهی نیز به وجود می آید.

با در نظر گرفتن ریسکهای فردی که موجب نوسانات مصرف می شود، منابع عمده مخاطرات (ستون اول جدول آخر مقاله) به طور خلاصه به شرح ذیل است: ۱. مخاطرات

درمانی شامل بارداری و معلولیت موقت یا دائمی که در اثر بیماری یا حادثه به وجود آمده باشد. ۲. افزایش سن و مرگ اعضای خانوار (چنانچه علت مرگ ریسک‌های گروهی نظیر جنگ نباشد)، ۳. مخارجی که خانوار برای پاسخگویی به شوکهای اجتماعی نیاز دارد، ۴. از هم پاشیده شدن خانوار در اثر طلاق یا سایر دلایل که موجب می‌شود آسیب‌پذیری اعضای خانوار بخصوص کودکان، زنان و سالمندان در برابر ریسکها بیشتر شود.

ستون دوم جدول مزبور بیانگر نوآوری‌های مؤسسات مالی برای برخورد با چنین ریسک‌هایی است. در ستون سوم نیز نمونه‌هایی از مؤسسات تأمین مالی خرد که ارائه‌دهنده چنین خدماتی به مشتریان خود است، آورده شده است.

ارائه بیمه درمانی به افراد کم‌درآمد در کشورهای در حال توسعه با چالشهای متعددی روبه‌روست که در این مقاله، به آن پرداخته نشده است. در کشورهای توسعه‌یافته و برای کارگران بخش رسمی کشورهای در حال توسعه، بیمه درمانی معمولاً توسط مؤسسات بیمه‌ای عمومی یا خصوصی در مقیاس بزرگ ارائه می‌شود که بخشی از بازار مالی نیستند. با وجود این مؤسسات تأمین مالی خرد می‌توانند با ارائه خدمات پس‌انداز احتیاطی و اعتبارات مصرفی به طور غیرمستقیم به چنین ریسک‌هایی پاسخ دهند.

بانکهای روستایی^۱ که از مدل بنیاد همکاری‌های اجتماعی بین‌المللی^۲ پیروی می‌کنند، به اعضای خود این فرصت را می‌دهند که نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار و وام‌های داخلی را تعیین کنند. برای مثال، بانکهای روستایی در ماداگاسکار نرخ بهره سپرده را بین ۲۴ تا ۳۶ درصد سالانه و نرخ بهره وام را بین ۳۶ تا ۴۸ درصد سالانه تعیین می‌کنند، در صورتی که نرخ بهره رسمی وام در بانک کشاورزی تنها ۱۴ درصد است. نرخ بهره وامی که توسط بانکهای روستایی تعیین می‌شود، بسیار بیشتر از نرخ بهره وامی است که از دوستان و خویشاوندان دریافت می‌شود، اما از نرخ بهره ۶۰ درصد که به عنوان نرخ تنزیل پول توسط وام‌دهندگان در جامعه برای وام‌های مصرفی فصلی در نظر گرفته می‌شود، کمتر است. در بسیاری از بانکهای روستایی اعضا به طور ضمنی این اجازه را می‌دهند که منابع برای اهداف مصرفی وام داده شوند، برخی از بانکهای روستایی به اعضایی که نیاز به وام مصرفی دارند، یارانه بهره پرداخت می‌کنند.

موارد دیگری از مؤسسات تأمین مالی خرد که به طور ضمنی اعتبارات مصرفی پرداخت

1. village banks

2. foundation for international community assistance (FINCA)

می‌کنند، شامل کاجا سوشیال^۱ در مکزیک و شورای توسعه روستایی بنگلادش^۲ است. در مورد شورای توسعه روستایی بنگلادش اعضا می‌توانند تا ۷۵ درصد سپرده‌های پس‌انداز خود را در موارد ضروری به صورت وام دریافت کنند، انجمن زنان خویش‌فرما^۳ در هند نیز که وام‌های خرد خود را به سمت زنان خیلی فقیر هدفمند کرده است، به وام‌دهندگان اجازه می‌دهد که بازپرداخت وام را طی دوره بارداری متوقف کنند.

همچنین می‌توان از طریق ارائه خدمات پس‌انداز احتیاطی با ریسک‌های درمانی برخوردار کرد. این نوع خدمات برای انواع ریسک‌ها که در جدول آخر مقاله آمده است، به شرط اینکه سررسید سپرده، نرخ سود آن و هزینه معاملاتی برای سپرده‌گذاری و خروج منابع در کوتاه‌مدت تعدیل شده باشد، مفید است.

برای ریسک‌های درمانی که از فراوانی نسبی بیشتری برخوردارند و نیازمند پاسخ فوری هستند، هزینه‌های دریافت سپرده و زمان آن باید حداقل باشد. به منظور حفظ سپرده‌های پس‌انداز، قوانین بانکداری اغلب مانع ارائه و تنوع بخشیدن به خدمات پس‌اندازی مؤسسات مالی خرد نیمه‌رسمی در پاسخ به تقاضای مشتریان می‌شود. با وجود این، مؤسسات تأمین مالی خرد که تحت قوانین بانکداری فعالیت می‌کنند، خدمات پس‌اندازی متعددی ارائه می‌دهند که پاسخگوی تقاضای پس‌انداز احتیاطی برای پوشش ریسک درمان، معلولیت، بیمه‌های اجتماعی یا سالمندی هستند. نمونه‌هایی از بانکهایی که در ارائه خدمات پس‌انداز به مشتریان مختلف از جمله فقرای روستایی و شهری موفق عمل کرده‌اند عبارتند از: بانک سول^۴ در بولیوی یا بانک راکیت اندونزی^۵.

چنانچه هزینه و زمان دریافت سپرده حداقل باشد، خانوارهای فقیر بازدهی منفی بر سپرده‌های پس‌اندازی خود را می‌پذیرند. با وجود این، دامنه وسیعی از خدمات پس‌اندازی که اشکال مختلف مبادله بین نقدینگی و بازدهی ارائه می‌کنند، برای پاسخگویی به نیازهای پس‌اندازی مختلف افراد فقیر لازم است؛ گرچه انتخاب بهینه خدمات پس‌انداز مشروط به دسترسی مشتریان به نیروی کار و بازارهای کالا و خوراک است. برای مثال، چنانچه قیمت مواد

1. Caja Social 2. Bangladesh Rural; Advance Commision (BRAC)
3. Self Employed Women Assosiation (SEWA) 4. Banco Sol
5. Bank Rakyat Indonesia (BRI)

خوراکی در هنگام گرسنگی نوسانات زیادی داشته باشد، ممکن است خانوارها اندوخته خود را به شکل مواد غذایی نگهداری کنند، حتی اگر دسترسی به خدمات پس‌انداز رسمی با نقدینگی بالا و هزینه‌های معاملاتی پایین وجود داشته باشد. چنین شرایطی در مناطق روستایی با زیرساخت‌های ناکافی بیشتر وجود دارد. برای مثال در بازار برنج ماداگاسکار، تفاوت قیمت منطقه‌ای و فصلی برنج به ترتیب تا ۳۰۰ درصد و ۱۰۰ درصد می‌رسد. کامل نبودن سیستم بازاریابی نشان‌دهنده این مطلب است که چرا توسعه و عملکرد «بانکهای» برنج در ماداگاسکار که به یک برنامه اعتباری نقدی متصل است، در دهه ۱۹۹۰ کاملاً موفق بوده است.

طرح بانک برنج برای خرده‌مالکان این انتخاب را فراهم می‌کند که بلافاصله پس از برداشت محصول که قیمت برنج پایین است، از وامهای نقدی برای تأمین مالی مصرف خود و سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای غیرکشاورزی در زمان خشکسالی استفاده کنند. برنج به عنوان یک وثیقه ولی نزد خود قرض‌گیرندگان نگهداری می‌شود. چهار الی شش ماه پس از برداشت محصول که قیمت برنج افزایش یافته است، کشاورزان برنج خود را فروخته و وامهای مصرفی‌شان را بازپرداخت می‌کنند. این اعتبارات که در ازای پس‌اندازهای غیرنقدی صورت می‌گیرد، برای کشاورزانی که با بازارهای مواد خوراکی با نوسانات زیاد روبه‌رو هستند بسیار جذاب است، زیرا به خانوارها این امکان را می‌دهد که مصرف خود را به طور مؤثر در هنگام گرسنگی یکنواخت نگه دارند.

نوع دیگر ریسک که افراد فقیر اغلب با آن رو به رو هستند، ناتوانی انجام کار است. در اصل از پس‌اندازهای احتیاطی می‌شود در صورتی که خدمات بیمه‌ای برای پوشش مستقیم چنین ریسک‌هایی وجود نداشته باشد، به عنوان جایگزین بیمه‌ای استفاده شود.

تعدادی از مؤسسات تأمین مالی خرد از خدمات بیمه عمر برای پوشش ریسک فوت یا فقدان مراقبت‌های دوران پیری استفاده می‌کنند، گرچه اغلب قراردادهای بیمه‌ای بدهی‌های قابل توجه قرض‌گیرنده را در صورت مرگ وی پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر، مؤسسه شورای توسعه روستایی بنگلادش با اعضای خیلی فقیر خود که اغلب زن هستند، قرارداد بیمه عمر می‌بندد. بدین ترتیب که مبلغ از پیش تعیین شده‌ای در صورت فوت اعضا به بازماندگان پرداخت می‌کند. این نوع قرارداد به دو دلیل ایجاد انگیزه می‌کند: اول اینکه زنان روستایی بنگلادش اغلب با مرگ همسر امکان دسترسی به دارایی‌های خانوار را از دست می‌دهند و در نتیجه کاملاً وابسته به فرزندان، والدین یا

والدین همسر خود می‌شوند؛ بنابراین با خرید بیمه عمر می‌توانند از قدرت چانه‌زنی بیشتری برای دریافت مراقبت‌های دوران پیری برخوردار شوند. دوم اینکه زنان در خانوارهای تک‌سرپرست با خرید بیمه عمر می‌توانند به نوعی برای فرزندان خود امنیت فراهم کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

دسترسی به تأمین مالی خرد علاوه بر حمایت از خانوارهای فقیر از طریق ایجاد درآمد از کسب و کارهای کوچک به حفظ سطح درآمد و مصرف آنها نیز کمک می‌کند. اولین تأثیر دسترسی به تأمین مالی خرد از جمله مباحث سستی است که پیرامون اعتبارات خرد مطرح می‌شود. هم‌اکنون علاوه بر انگیزه‌های اولیه برای حرکت به سمت تأمین مالی خرد به منظور هدفمند کردن خدمات به سمت گروه‌های فقیرتر، تأثیر دوم یعنی حفظ سطح مصرف از اهمیت نسبی برخوردار شده است، این همان بحث تور ایمنی برای حمایت عمومی از مؤسسات تأمین مالی خرد است.

در این مقاله سعی شد با ارائه یک چارچوب مفهومی تفاوت بین این دو تأثیر عمده مشخص شود. در این راستا مشاهده شد که از طریق تأمین مالی خرد می‌توان علاوه بر رشد اقتصادی به اهداف تور ایمنی نیز دست یافت که هدف عمده این مقاله تمرکز بر دومین تأثیر است. بیشترین ظرفیت تأمین مالی خرد در پاسخ‌گویی به ریسک‌های فردی مانند ریسک‌های مربوط به درمان بیماری، معلولیت، پیری و طلاق است. با افزایش مقیاس عملکرد مؤسسات تأمین مالی خرد و دسترسی به گروه‌های فقیر و غیر فقیر، ظرفیت پوشش ریسک‌های گروهی آنها نیز افزایش می‌یابد. در برخی مؤسسات تأمین مالی خرد که به ارائه خدمات مالی برای مقابله با چنین ریسک‌هایی می‌پردازند، این گونه خدمات اغلب به شکل پس‌اندازهای احتیاطی ارائه می‌شود، در نتیجه مشتری می‌تواند از بین خدمات سپرده‌ای مختلف که از نرخ بازدهی مختلف و هزینه‌های معاملاتی مختلفی برای دریافت سپرده برخوردارند، انتخاب کند.

برخی مؤسسات تأمین مالی خرد با ایجاد خطوط اعتبار مصرفی امکان دریافت وام‌های مصرفی در مواقع ضروری توسط اعضای خود را فراهم می‌کنند. بسیاری از بانک‌های روستایی در امریکای لاتین، نوعی اعتبارات مصرفی را پرداخت می‌کنند که از پس‌اندازهای داخلی جمع‌آوری شده و از اعضای بانک تأمین مالی شده است.

برخی دیگر از این مؤسسات به سمت ارائه خدمات بیمه‌ای و از جمله بیمه حرکت کرده‌اند.

برخی تجربه‌ها نیز نشان می‌دهد که مؤسسات مذکور ظرفیت فروش جزئی خدمات بیمه‌ای بخش رسمی به مشتریان خود را دارند.

البته تمایل افراد فقیر به پرداخت بابت خدمات مالی به منظور حفظ سطح مصرف و درآمد، بستگی به اثربخشی هزینه‌های پاسخگویی بخش غیررسمی شامل اشکال غیررسمی پس‌اندازهای احتیاطی، مصرف و بیمه دارد. بنابراین باید تأکید کرد که ارائه خدمات مالی می‌تواند جایگزین جبری پاسخهای بخش غیررسمی شود. بسته به میزانی که خدمات مؤسسات تأمین مالی خرد از یارانه‌های غیرمستقیم دولتی برخوردار می‌شوند، خدمات مالی بخش رسمی می‌تواند هزینه‌های اجتماعی ایجاد کرده که از منافع اجتماعی نیز گاه بیشتر می‌شود. با وجود این، می‌توان گفت پاسخهای بخش غیررسمی از کفایت لازم برخوردار نبوده و ابداعات مؤسسات تأمین مالی خرد که از طرف دولت حمایت می‌شود، در بسیاری موارد به عنوان یک ابزار سیاستی کارا بوده و تضمین‌کننده خالص منافع اجتماعی است.

پیدا کردن ترکیب صحیح اقدامات تور ایمنی که توسط بخش عمومی و بخش خصوصی ارائه می‌شود، به صورت چالش باقی مانده است. در بسیاری از شرایط، مؤسسات تأمین مالی خرد می‌توانند اقداماتی از تور ایمنی را ارائه کنند که بیشتر منابع آن توسط مشتریان تأمین شود. سایر اقدامات تور ایمنی که به طور مستقیم توسط دولت ارائه یا حمایت می‌شود، مانند پرداخت‌های انتقالی پس از وقوع شوک یا کارهای عمومی دربرگیرنده هزینه‌های اجرایی بالا، برای اجرا و هدف‌گیری است و ممکن است مستلزم صرف زمان قابل توجهی پس از وقوع شوک باشد. در مقابل، پس‌اندازهای احتیاطی و اعتبارات مصرفی و بیمه‌ای، مشتق شده از تقاضا هستند و قابلیت پاسخگویی سریع پس از وقوع شوک را دارند، به گونه‌ای که مؤسسات تأمین مالی خرد با استفاده از اطلاعات محلی می‌توانند خدمات خود را با تقاضاهای متعدد گروه‌های مختلف تطبیق دهند. البته بسته به میزان یارانه‌ای که مؤسسات تأمین مالی خرد دریافت می‌کنند، می‌توان گفت نسبت قابل توجهی از منابع این مؤسسات توسط خود مشتریان تأمین می‌شود. مؤسسات تأمین مالی خرد می‌توانند خدمات مالی خود را جهت حفظ سطح مصرف درآمد با هزینه‌های متغیر نسبتاً پایینی ارائه دهند زیرا فعالیت اصلی این مؤسسات با خدمات مالی مبتنی بر ایجاد درآمد حمایت می‌شود.

بنا به دلایل فوق، پیشنهاد می‌شود مؤسسات تأمین مالی خرد که تمایل به افزایش ارتباط خود را با افراد فقیر دارند، از خدمات مالی جدید برای حفظ سطح مصرف و درآمد آنها استفاده کنند.

ابداعات در ارائه خدمات اعتباری، بیمه‌ای و پس‌انداز توسط مؤسسات تأمین مالی خرد		
نوع ریسک	ابداعات در خدمات مؤسسات تأمین مالی خرد	نمونه ارائه دهنده این خدمات
بیماری (که به طور موقت توانایی فرد را در انجام کار تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند تصادف. بسیاری از بیماریهای بارداری و آنهایی که موجب افزایش مخارج مصرفی و کاهش درآمد فرد می‌شود)	۱. اعتبارات مصرفی که وام‌های نقدی در مدت زمان کوتاه به مشتریان ارائه می‌دهد. شرایط برخورداری از این وام‌ها اغلب عبارت است از: - قرض‌گیرنده باید مشتری مؤسسه تأمین مالی خرد باشد. ۲. ارائه وام در زمان بارداری ۳. خدمات پس‌انداز احتیاطی مانند حساب جاری بدون بهره، سپرده‌های مدت‌دار با سرسپردها و نرخ‌های بهره مختلف و جریمه بیرون کشیدن سپرده زودتر از سررسید.	مکزیک - کاجا سوشیال بنگلادش - شورای توسعه روستایی بانکهای روستایی که از مدل بنیاد همکاری‌های اجتماعی بین‌المللی پیروی می‌کنند (در بسیاری از کشورهای امریکایی لاتین و آفریقا)
معلولیت دائم	بیمه از کار افتادگی	بانکهای روستایی که از مدل بنیاد همکاری‌های اجتماعی بین‌المللی پیروی می‌کنند. در کنیا به بانکهای روستایی در خرید بیمه گروهی از کار افتادگی از یک شرکت بیمه‌ای کمک می‌کنند.
افزایش سن و مرگ اعضای خانوار	بیمه عمر	بانک راکیت در اندونزی و شورای توسعه روستایی در بنگلادش که بیمه عمر تنها بدهی‌های فرد قرض‌گیرنده را در صورت فوت پوشش می‌دهد. برخی از مؤسسات تأمین مالی خرد (اغلب مؤسساتی که تحت عنوان بانک ثبت شده‌اند).

منبع: زلر ۱۹۹۹

منابع

فارسی

۱. آذرنوش، علیرضا، «بانکهای تجاری و تأمین مالی خرد در مصر»، ترجمه ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۴۰، تیر ۱۳۸۲.
۲. سن، آمارتیا کومار، توسعه به مثابه آزادی، حسین راغفر، تهران، کویر، ۱۳۸۱.
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱-۱۳۵۲)، تهران: ۱۳۸۳.
۴. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها، ۱۳۸۴.

لاتین

1. Sharma, M. and G. Schrieder. 1998. *Impact of Access to Credit on Household Income, food Security and Nutrition: A Review of Empirical Evidence*
2. Sharma, M. and M. Zeller. 1997. *Repayment Performance in Group-Based Credit Programs in Bangladesh: An Empirical Analysis*. *World Development* 25(10):213-224
3. Zeller, M. 1999. *The Role of Micro-Finance for Income and Consumption Smoothing*, International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.
4. Zeller, M. and M. Sharma. 1998. *Rural Finance and Poverty Alleviation*. Food Policy Report. International Food Policy Research Institute, Washington D.C. July 1998.